



چرا فضائل علی(ع) را کتمان کردند؟/ درس های حکومت امیرالمؤمنین(ع)

دشمن، اقدامات گسترده‌ای برای کتمان فضائل امیرالمؤمنین(ع) صورت داد. از طرفی هزینه معرفی امیرالمؤمنین(ع) را بالا بردند و از سوی دیگر فضائل ایشان را به دیگران اطلاق دادند.

دشمن، اقدامات گسترده‌ای برای کتمان فضائل امیرالمؤمنین(ع) صورت داد. از طرفی هزینه معرفی امیرالمؤمنین(ع) را بالا بردند و از سوی دیگر فضائل ایشان را به دیگران اطلاق دادند.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: به مناسبت شهادت مولای متقیان، امیرالمؤمنین(ع) برخی از فضائل آن امام بزرگوار و همچنین شرایط حکومت امیرالمؤمنین(ع) را در گفتگو با حجت الاسلام کاشانی، خطیب و کارشناس دینی مورد بررسی قرار داده ایم که در ادامه از نظر می‌گذرد؛

حجت الاسلام حامد کاشانی در ابتدا با اشاره به برخی از فضائل امیرالمؤمنین در خصوص اینکه امیر المؤمنین نفس پیامبر است گفت: فردی از پیامبر سوال می‌کند از میان صحابه‌ی شما کدام یک بهتر است؟ حضرت فرمود: سلمان. سؤال‌کننده گفت: علی چه؟ حضرت فرمود: «إِنَّمَا سَأَلْتَنِي عَنِ النَّاسِ» از مردم سؤال کردی، جواب دادم؛ «وَلَمْ تَسْأَلْنِي عَنْ نَفْسِي، عَلِيٌّ نَفْسِي» علی نفس من است. لذا اگر بگویند: احب خلق پیغمبر است یا امیر المؤمنین؟ از نظر ما این‌ها با هم تفاوتی ندارند. امیر المؤمنین فضیلت‌های بسیاری دارد، دو مورد از آن‌ها را بیشتر از بقیه دوست داشت، آن هم نفس الرسول و زوج البتول بود. ما در زیارت جامعه‌ی کبیره می‌گوییم «تَوَلَّيْتُ أَخْرَجْتُ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوْلَكُم» همه یک حقیقت هستند.

وی در خصوص اقداماتی که برای کتمان فضائل امیرالمؤمنین صورت گرفته است، گفت: دشمن اقدامات گسترده‌ای انجام داد برای این‌که فضائل امیر المؤمنین (ع) در جامعه دفن بشود. در تاریخ هزینه‌ی معرفی امیرالمؤمنین را خیلی بالا بردند و از سوی دیگر شروع کردند به مقابل‌سازی کردن. برای یک به یک روایات مقابل ساختند و این مقابله را تبلیغ کردند.

وی ادامه داد: وقتی حدیث سَدِّ ابواب که حدیثی منحصر به فرد است و عظمت دارد، برای دیگران هم شبیه داشته باشد اهمیّت آن کم می‌شود. مثلاً ابن تیمیه به دروغ می‌گوید «فَرُّتُ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ» که چیزی نیست، هفت نفر دیگر هم نزدیک مرگ خود «فَرُّتُ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ» را گفته‌اند. تا وقتی یک نفر هنگام شهادت «فَرُّتُ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ» گفته باشد اهمیّت دارد وقتی که همه بگویند اهمیّت خود را از دست می‌دهد.

کاشانی گفت: سناریوی عظیمی چیدند برای این‌که شخصیت امیر المؤمنین(ع) را دفن کنند و امروز هم کار تبلیغی ما را مشکل می‌کنند. یا هزینه را بالا می‌برند که کسی جرأت بیان فضائل امیر المؤمنین (ع) را نداشته باشد یا مقابل‌سازی می‌کنند.

این کارشناس دینی با اشاره به درد دل‌های حضرت امیر المؤمنین(ع) از ظلم زمانه گفت: در جایی بغض حضرت ترکید و راجع به آن‌ها حرف زد. «وَ طِفْقَتْ أُرْتَيُّ» مشغول بررسی شدم، «بَيِّنَ أَنْ أَصُولَ بَيِّدَ جَدَاءَ» با دست شکسته بکنم، -دست شکسته کنایه از این است که یار و نیرو ندارند، بلکه کنایه‌ی تصریحی است- «أَوْ أَصْبِرَ عَلَى طَخِيهِ عَمِيَاءَ» یا در دورانی که سیاهی و حشمتناک ظلمانی است باید صبر کنم. آن ۲۵ سال این‌طور است. «فَرَأَيْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى هَاتَا أَحَجِّي» دیدم باید صبر کنم چون اگر بکنم خودم و حسنین کشته می‌شوند و کار تمام می‌شود. سزاوار این است که صبر کنم «فَصَبْرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدَى وَ فِي الْحَلْقِ شَجَا».

ضرورت بررسی حکومت امیر المؤمنین(ع)

حجت الاسلام کاشانی در خصوص درس های حکومت حضرت امیر(ع) برای دوران کنونی ما گفت: این دورانی که ما هستیم خیلی شبیه به دوران امیر المؤمنین (ع) است. این‌که تهران را کوفه کنیم درست نیست. اما این‌که مبانی اصلی کوفه و شهرهای حکومت امیر المؤمنین (ع)، روش‌های حکومت امیر المؤمنین (ع) بررسی شود، مفید خواهد بود. نقاط قوّت و ضعف حکومت امیر المؤمنین (ع) باید بررسی شود، آن حکومت نقاط ضعف جدّی داشته، معاذ الله نه به واسطه‌ی ضعف حضرت امیر (ع). چون حکومت اساساً بر پایه‌ی یک نفر اداره نمی‌شود، حداقل آن دولت و ملت است. لذا اگر بررسی کنیم می‌بینیم خیلی به شرایط امروز نزدیک است و می‌شود عبرت گرفت.

وی ادامه داد: دوره‌ی حکومت امیرالمؤمنین (ع) دوره‌ای است که مردم امیرالمؤمنین را به عنوان یک شخصیت ویژه نمی‌شناسند. در حدّ سلمان که شما قبول دارید، نمی‌شناسند، این در فهم نصوص مهم است. اگر دست علی بن ابی‌طالب (ع) را می‌بوسیدند نه به عنوان حیدر کرّار که آن وقت بوسیدن کف کفش او هم خوب است، به عنوان این‌که حالا قدرت را در دست دارد به او احترام می‌گذاشتند. این احترام فایده ندارد. اگر آن فضائل را قبول داشتند که اصلاً مشکلات بعدی اتفاق نمی‌افتاد.

سقوط شهرها در زمان حکومت امیرالمؤمنین(ع)

این کارشناس دینی گفت: لذا کاری کردند که حیدر کرّار نتوانست امنیّت حکومت را حفظ کند. یعنی حکومت دست امیر المؤمنین (ع) بود، و شهرها یکی یکی سقوط کرد. حکومتی که چند برابر ایران امروز است به یک استان تبدیل شد، و کم شد. حضرت از نظر کارآمدی دچار سؤال شد، گفتند نمی‌توانی اداره کنی. چه چیزهایی باعث شد این‌طور شود؟

وی ادامه داد: اکنون هم بعد از هزار و ۴۰۰ سال حکومتی دست شیعیان افتاده، ما در توهّم خود می‌گوییم در فلان مسئله اگر علی(ع) بود، گردن‌ها را می‌زد. بله، حضرت نسبت به ظلم برخورد می‌کرد، اما تا وقتی که بسط ید داشت. بسط ید را چه کسی

ایجاد می‌کند؟ مردم. اگر حضرت بنا بر معجزه کردن داشت در سقیفه معجزه می‌کرد، قرار نبود این‌طور باشد، قرار بود مردم به چیزهایی که می‌دانند عمل کنند.

تهمت افراطی بودن به امیرالمؤمنین(ع)

کاشانی گفت: تا مردم نباشند به حکومت امیرالمؤمنین (ع) شبهه‌ی ناکارآمدی، ناامنی، فساد اقتصادی می‌خورد. تنها مشکلی که به علی بن ابی‌طالب (ع) گرفتند، تهمت تندروی و افراط است. هم آن موقع گفتند هم الآن می‌گویند، منتها الآن جرأت نمی‌کنند به امیر المؤمنین (ع) تندرو بگویند، بلکه می‌گویند مالک و عمار افراطی بودند. الآن می‌گویند و زمان خود حضرت هم می‌گفتند، هم زبیر گفت، هم طلحه گفت، هم معاویه گفت. گفتند: علی برای حکومت مناسب نیست، علی برای حکومت مناسب نیست، چون تندرو است. تندروی کجا روی اصول ایستادن کجا؟ این ادبیات امروز ما است.

خیانت مردم مدینه به امیرالمؤمنین(ع)

وی در خصوص خیانت مردم مدینه به امیرالمؤمنین گفت: بُسر فرماندهی نظامی حکومت معاویه به مدینه حمله کرد، این شخص بسیار وحشی بود، شروع کرد ناسزا گفت. مردم مدینه حوصله نداشتند بجنگند. مردم مدینه گفتند مهم نیست، اگر ما بخواهیم جلوی بسر با این سپاه بایستیم بچه‌های ما باید شهید شوند، تکه تکه شویم، لذا بیعت کردند. با امیر المؤمنین (ع) بیعت کرده بودند، همان‌ها که بعضی از پدران آن‌ها آمدند به حضرت زهرا (س) گفتند اگر زودتر آمده بودی با دیگری بیعت نکرده بودیم و با شما بیعت می‌کردیم، همین‌ها در حالی که در بیعت با امیر المؤمنین (ع) بودند، با بسر بیعت کردند.

علت کمک خواستن حضرت امیر از عمار در روزهای پایانی عمر خود

وی ادامه داد: چرا امیر المؤمنین (ع) فرمود «أَيُّ عَمَّارٍ؟» عمار چه کار کرده است. تمام محبّان امیر المؤمنین تا قیامت مدیون عمار هستند. عمار نمی‌گذاشت اسم امیر المؤمنین به صورت مطلق در جامعه فراموش بشود.

کاشانی گفت: روایت از پیغمبر رسیده است «الْحَقُّ مَعَ عَمَّارٍ» خیلی حرف بزرگی است. متأسفانه در جامعه‌ی امروز ما برای این‌که عمار را بزنند که دیگر ما این عمار نگوییم پنج تا مقاله نوشتند که عمار تندرو و افراطی است و این شیعه‌ی واقعی امیر المؤمنین نیست. در کشور خود ما این حرف را زدند و آن کسی که این حرف را گفته است معمم است.

علت رویگردان شدن طلحه از جنگ جمل

وی در خصوص نقش عمار در جنگ جمل گفت: جمل که شد، چند چیز باعث شد که طلحه وارد میدان نشد. طلحه ن جنگید. یکی از این‌ها این بود خود آن‌ها نوشتند- که وقتی شنید عمار فرماندهی سواره نظام امیر المؤمنین است، گفت: اگر من در این جنگ شرکت بکنم، می‌گویند «الْحَقُّ مَعَ عَمَّارٍ» و نمی‌گویند «الْحَقُّ مَعَ طلحه». چون امیر المؤمنین در بایکوت بوده نمی‌شد فضائل او را نقل کرد، اما فضائل عمار را نقل کرده بودند و همه شنیده بودند. یکی از چیزهایی که جلوی طلحه را گرفت، وجود عمار بود. یعنی عمار به جایی رسیده است که علامت حق است. ببینید چقدر امیر المؤمنین مظلوم است که باید عمار علامت حق امیر المؤمنین باشد، این قدر غربت دارد.

نقش خواص در هدایت مردم

کاشانی ادامه داد: بعد که عمار کشته می‌شود و قصه خوارچ اتفاق می‌افتد، و معاویه حمله می‌کند و مردم کمک نمی‌کنند، این‌جا امیر المؤمنین می‌فرماید «أَيُّ عَمَّارٍ؟» یعنی علی بن ابی‌طالب (ع) هم باشی، اگر خواصی در جامعه نباشند که حق را به مردم بگویند، مردم از در خانه‌ی حق که امیرالمؤمنین است، دور می‌شوند. حضرت کمبود او را حس می‌کند.

تشخیص اهم و مصلحت‌سنجی در برخوردهای حکومتی

کاشانی در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه چرا امیر المؤمنین (ع) به ظاهر بعضی از مصلحت‌اندیشی‌ها را نکردند و بر خلاف معمول مثلاً باجی به معاویه ندادند و باعث نشدند در عوض امنیت امت اسلامی مدت بیشتری حفظ شود و یا در مقابل اهل جمل کوتاه نیامدند؟ گفت: مرحوم شهید صدر وقتی می‌خواست به این سؤال پاسخ دهد، آن را با یک عنوان شرعی به اسم تزامم مطرح کرده است.

وی گفت: این‌جا امیر المؤمنین (ع) باید انتخاب کند بین این‌که ۵۰ استان خود را به ۴۹ استان تبدیل کند ولی ۴۹ استان امن داشته باشد بهتر است یا این‌که ۴۹ استان داشته باشد که یک به یک کم می‌شوند و آن یک استان را هم به دست نیاورد ولی با معاویه بجنگد؟ کدام یک مهم‌تر است؟ چه شد که امیر المؤمنین (ع) از موضع خود عقب‌نشینی نکرد؟

کاشانی ادامه داد: مثلاً امیر المؤمنین (ع) در زمان خلیفه‌ی دوم خیلی از اوقات وقتی از عکس العمل ناامید شده در آن جامعه سکوت کرده است ولی در برابر بعضی از خطاهای خلیفه‌ی سوم اعتراض کرده است. لذا باید پرسید در برابر کدام خطا هیچ وقت نباید سکوت کرد و در برابر کدام دسته از خطاها باید مصلحت‌سنجی کرد؟ مبانی این مصلحت‌اندیشی چیست؟

نپذیرفتن امیرالمؤمنین(ع) برای مذاکره با معاویه

وی گفت: امیرالمؤمنین فرمود من دو روز هم معاویه را نصب نمی‌کنم. مذاکره با معاویه را قبول نکرد. چه شد که امیر المؤمنین (ع) این‌جا کوتاه نیامد؟ کسانی که استاد درس مذاکره هستند و می‌توانند از کربلا مذاکره بیرون بیاورند این را چگونه توجیه می‌کنند؟

متمم کردن، اب‌المهمنب، (ع) به افراط، گ،

وی در پایان گفت: «بَدَأَ الْإِسْلَامُ غَرِيبًا وَ سَيَعُودُ غَرِيبًا» اگر می‌بینید حکومت امیر المؤمنین (ع) شکست خورد به خاطر تحلیلی بود که معاویه از علی ابن ابی‌طالب داشت، می‌گفت: علی حکومت بلد نیست، من می‌فهمم. او که محکم روی اصول ایستاده است و افراطی‌گری می‌کند. کما این‌که طلحه و زبیر این را به امیر المؤمنین گفتند. همین را ابن عباس هم به امیر المؤمنین می‌گوید. دقیقاً آن چیزی که معاویه در مورد امیر المؤمنین تبلیغ می‌کند. همان حرف‌هایی که معاویه می‌زند و امیر المؤمنین را

می‌کوبد، ابن عباس در ذهن خود، امیر المؤمنین را آن‌طور می‌بیند. بدبختی این‌جا است